

## کارآمدی و امکان‌پذیری سیاست حمایتی یارانه تولید پنبه در ایران

سیدصفر حسینی، نورمحمد آبیاری و علی شهنازی<sup>۱</sup>

### چکیده

در سال‌های اخیر پرداخت یارانه تولید پنبه به عنوان راهکار افزایش عرضه این محصول و تامین نیاز صنایع نساجی کشور مطرح و به دولت پیشنهاد شده است. در این مقاله میزان یارانه مطلوب برای دستیابی به هدف مذکور تحت چهار گزینه (کشش‌های قیمتی عرضه مختلف) برآورد و با یارانه پیشنهادی متولیان پنبه کشور (۱۵۰۰ ریال به ازاء هر کیلو پنبه) مقایسه گردید. نتایج نشان داد که یارانه مطلوب تفاوت نسبتاً زیادی با یارانه پیشنهادی دارد و یارانه پیشنهادی نیز قادر به افزایش قابل توجه تولید و عرضه داخلی پنبه نمی‌باشد. لذا در حال حاضر به دلیل مشکلات حاد تولید پنبه حمایت یارانه‌ای ۱۵۰۰ ریال نیز چاره‌ساز نخواهد بود و افزایش عرضه داخلی پنبه برای تامین نیاز صنایع نساجی کشور مستلزم پرداخت حداقل ۶۴۳۳ ریال یارانه تولید هر کیلوگرم پنبه می‌باشد که اعمال این سیاست به دلیل تحمیل هزینه سنگین بر بودجه عمومی کشور نه تنها خارج از اراده و توان دولت می‌باشد بلکه نظر به بینش اقتصادی دولت اساساً امکان‌پذیر نبوده و موضوعیت نیز نخواهد داشت.

طبقه بندی JEL : E64 , H71, Q18

واژه‌های کلیدی: پنبه، سیاست یارانه تولید، صنایع نساجی، ایران

### مقدمه

پنبه از مهمترین محصولات کشاورزی است که علاوه بر تامین مواد اولیه صنایع نساجی و روغن کشتی، در اشتغال زایی بخش‌های کشاورزی، صنعت و بازرگانی نیز نقش مهمی را ایفا می‌نماید. در واقع کمتر محصول کشاورزی از نظر تنوع فراورده‌ها و قابلیت ایجاد ارزش افزوده یارای برابری با پنبه را دارد. تا قبل از انقلاب اسلامی، پنبه از مهمترین محصولات زراعی کشور بود که علاوه بر تامین نیاز داخلی بخش، قابل توجهی از آن صادر می‌شد بطوریکه درآمد ارزی صادرات آن سالیانه بالغ بر ۱۲۰ میلیون دلار بود که ۲۰ درصد صادرات کالاهای غیر نفتی و ۴۵ درصد صادرات کالاهای کشاورزی کشور را شامل می‌شد (حائری و آسایش، ۱۳۸۸). اما در سه دهه گذشته تولید این محصول روندی کاهشی را شاهد بوده است. برای مثال سطح زیرکشت آن از ۳۶۹ هزار هکتار سال زراعی ۱۳۵۳-۵۴ به ۱۳۰ هزار هکتار در سال زراعی ۸۸-۱۳۸۷ کاهش یافته است که کمترین میزان سطح کشت این محصول در ۴۰ سال اخیر می‌باشد.

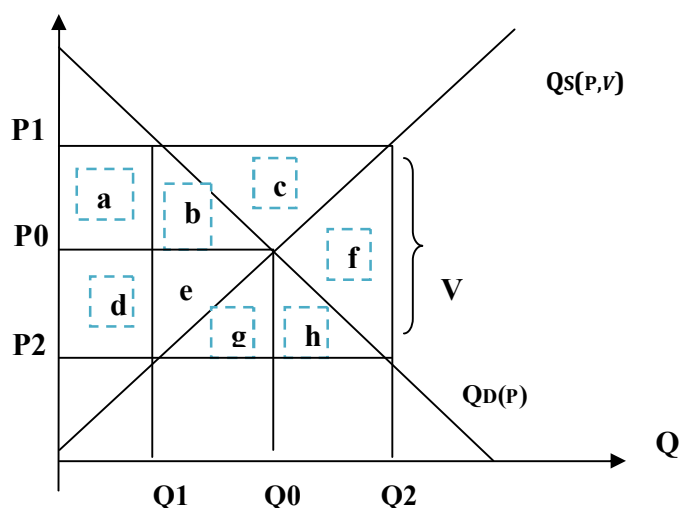
<sup>1</sup> به ترتیب استاد گروه اقتصاد کشاورزی دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران، دانشجوی دکتری سیاست و توسعه کشاورزی گروه اقتصاد کشاورزی دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران، مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی آذربایجان شرقی

باشد. صنایع نساجی مهمترین مصرف کننده پنبه تولیدی کشور می باشند که به دلیل عدم کفایت عرضه داخلی همه ساله بخش قابل توجهی از نیاز خود را از بازارهای جهانی تامین می کنند که این امر تبعات گوناگونی را برای اقتصاد ملی بدنبال دارد. برای مثال در سال ۱۳۸۷ برای واردات پنبه از کشور ازبکستان بیش از ۱۰۰ میلیون دلار از منابع ارزی کشور هزینه شده است (حائری، ۱۳۸۹). لذا توسعه سطح کشت و افزایش تولید این محصول ضرورت اجتناب ناپذیر اقتصاد کشاورزی ایران می باشد که این امر مستلزم تدوین و اتخاذ سیاست های حمایتی و راهکار های اجرایی کارآمد می باشد تا بواسطه آن بحران فعلی پنبه رفع شده و این محصول مهم جایگاه شایسته خود را در میان محصولات کشاورزی و اقتصاد ملی باز یابد. بررسی سیاست های حمایتی کشور های مهم تولید کننده پنبه در جهان نشان می دهد که آنها عمدتاً با پرداخت یارانه تولید و صادرات از تولید این محصول حمایت نموده و قیمت آن را برای مصرف کننده پائین نگاه می دارند. برای مثال امریکا به عنوان یکی از بزرگترین تولیدکنندگان پنبه در سال ۲۰۰۸ به هر کیلو پنبه ۲۲ سنت یارانه پرداخت کرده است (حائری و آسایش، ۱۳۸۸). بنابراین در شرایط حاضر به نظر می رسد یکی از راهکارهای رونق مجدد زراعت پنبه اتخاذ سیاست حمایتی یارانه تولید می باشد. لذا با توجه به تجربه کشورهای عمده تولیدکننده پنبه در اتخاذ سیاست یارانه تولید و عدم کارآمدی سیاست حمایتی قیمت تضمینی این محصول در ایران، متولیان تولید، بازرگانی و فراوری پنبه کشور به ویژه انجمن صنایع نساجی، صندوق پنبه ایران و وزارت جهاد کشاورزی ضمن پیشنهاد پرداخت یارانه تولید ۱۵۰۰ ریال به ازاء هر کیلو پنبه تولیدی، اعتقاد دارند که این سیاست حمایتی عرضه داخلی را به میزان نیاز صنایع نساجی کشور یعنی حدود ۱۳۰ هزار تن پنبه مخلوج یا ۴۲۰ هزار تن پنبه خام (وش) افزایش خواهد داد (حائری و آسایش، ۱۳۸۸). با توجه به اینکه سیاست پیشنهادی مذکور تاکنون فعلیت نیافته است، ارزیابی کارآمدی آن در دستیابی به هدف متصور (افزایش تولید پنبه و تامین نیاز داخلی) و نیز امکان پذیری آن حائز اهمیت و یک ضرورت می باشد که می بایست به طریق روشمند و بهره گیری از اصول و دانش سیاست کشاورزی و ابزارهای تحلیلی مناسب انجام شود. بررسی حاضر تلاشی در این راستا است که می تواند پیشاپیش برنامه ریزان و سیاستگذاران بخش کشاورزی را از کارآمدی این راهکار در تامین نیاز صنایع نساجی و نیز امکان پذیری اتخاذ آن توسط دولت آگاه نماید. بررسی ادبیات موضوع نشان می دهد که سیاست های حمایتی پنبه از جوانب مختلف در سایر کشورها و بعضاً در ایران مورد کنکاش قرار گرفته است. بررسی مارشال و هاولیچک (Marshall & Havlicek, 1977) نشان داد که پذیرش ماشین های برداشت مکانیزه در مزارع پنبه امریکا مازاد اقتصادی مصرف کنندگان و تولید کنندگان آن را افزایش داده است. هادسن و اتریچب (Hudsona & Ethridge, 1996) آثار سیاست مالیات برصادرات پنبه خام در پاکستان را بررسی کردند پاکستان این سیاست را از ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۵ به منظور کنترل قیمت پنبه و حمایت از صنایع نساجی خویش اتخاذ نمود. نتایج نشان داد که مالیات صادراتی اثر منفی بر نرخ رشد تولید پنبه دارد و اثر آن بر صنعت نساجی نیز ناچیز می باشد. اموالومیتس و همکاران (Emvalomatis et al, 2008) در تحقیق خویش نتیجه گرفتند تاثیر یارانه تولید بر کارائی فنی پنبه کاران یونان منفی است و این بواسطه انحراف منابع از محصولات مشمول یارانه بر اساس سطح کشت به محصولات مشمول یارانه بر اساس میزان تولید است. تراوره (Traoré, 2009) آثار حذف سیاست یارانه تولید پنبه امریکا و اتحادیه اروپا را بر تولید ناخالص داخلی، حسابهای ملی و درآمد خانوارهای کشور مالی را که خود تولید کننده پنبه می باشد بررسی نمود و نتیجه گرفت که حذف این سیاست از سوی امریکا و اتحادیه اروپا تاثیر مثبت بر تولید ناخالص، درآمد دولت و پنبه کاران کشور مالی خواهد داشت. بوسنا و همکاران (Bosena et al, 2001) عوامل موثر بر عرضه پنبه در سطح مزارع کشور اتیوپی را بررسی و نتیجه گرفتند که اندازه زمین اختصاص داده شده برای پنبه، بهره وری و دسترسی زارعین به اعتبارات از جمله عوامل موثر بر عرضه پنبه می باشند و لذا افزایش عرضه پنبه مستلزم مداخلات سیاستی است. الیاسی بختیاری (۱۳۷۲) عوامل موثر بر عرضه پنبه را در مناطق مختلف کشور با مدل تعدیل جزئی نرلاو و داده های پانل مورد بررسی قرار داده است. بر اساس نتایج پنبه کاران در فرایند تصمیم گیری تولید و عرضه پنبه قیمت های نسبی را مورد توجه قرار می دهند. لذا نظام قیمتگذاری و مکانیزم

تضمین درآمدهای قابل قبول از جمله اهرم هائی است که در تنظیم برنامه های کشت و تسریع به سوی تولید و عرضه بیشتر پنبه می تواند نقش بسیار ارزشمندی را ایفا نماید. حسینی پور و احمدیان (۱۳۸۷) اثر پیشرفت فناوری تولید پنبه را بر رفاه اجتماعی برآورد نمودند و دریافته اند که پیشرفت فناوری مازاد تولیدکنندگان را نسبت به مازاد مصرف کنندگان حدود دو برابر بیشتر افزایش می دهد. نگاهی مختصر به پژوهش های انجام شده درخصوص سیاست های حمایتی پنبه به ویژه در داخل کشور نشان می دهد ارزیابی و تحلیل عمدتاً بعد از اعمال سیاست ها صورت گرفته است و کمتر تحقیق کاربردی می توان یافت که پیش از اتخاذ و اعمال یک سیاست حمایتی جوانب مختلف آن را بررسی و ارزیابی نموده باشد. لذا تحقیق حاضر در نوع خود گامی به پیش می باشد که کارآمدی و امکان پذیری سیاست یارانه تولید پنبه را پیش از اتخاذ و اجرائی شدن آن در ایران بررسی می نماید. برای این منظور پس از تخمین توابع واکنش عرضه پنبه تحت چهار گزینه یاکشش قیمتی عرضه به عنوان الگوی تحلیل، میزان افزایش تولید پنبه در صورت عملیاتی شدن یارانه پیشنهادی تعیین و به عنوان کارآمدی آن تعبیر خواهد شد. سپس مقادیر مطلوب یارانه که موجب افزایش تولید پنبه معادل تقاضای صنایع نساجی کشور می شود، برآورد و ضمن مقایسه با یارانه پیشنهادی، بار مالی آنها محاسبه و نسبت به امکان پذیری اتخاذ آن توسط دولت قضاوت خواهد شد.

## روش تحقیق

با توجه به اینکه در مقاله حاضر سیاست یارانه تولید مورد بررسی و ارزیابی قرار می گیرد ، ابتدا به لحاظ نظری کارکرد این سیاست در کشوری با شرایط ایران که تولید کفاف نیاز داخلی را نمی کند و تفاوت عرضه داخلی و تقاضا از طریق واردات تامین می گردد بیان می شود و سپس روش شناسی تحقیق برای ارزیابی کارآمدی و امکان پذیری این سیاست در رابطه با محصول پنبه ایران ارائه می گردد. یارانه تولید محصول اثر مستقیم بر انتقال درآمد از مالیات دهندگان به تولیدکنندگان دارد. توجیه برای این انتقال و اثرات آن پیچیده و غالباً بحث برانگیز است. نمودار یک الگوی ساختار اقتصادی بازار کالا و سیاست یارانه تولید را نشان می دهد (حسینی، ۱۳۸۵). p



نگاره (۱) - الگوی ساختار اقتصادی بازار کالا و سیاست پرداخت یارانه تولید

فرض می‌شود در نمودار مذکور QS و QD به ترتیب منحنی‌های عرضه و تقاضای پنبه باشند. در قیمت P2 عرضه داخلی پنبه و تقاضای صنایع نساجی کشور به ترتیب معادل Q1 و Q2 است. همانطور که ملاحظه می‌شود کمبود عرضه پنبه که معادل Q2-Q1 است با واردات از سایر کشورها تامین می‌شود. حال چنانچه دولت با پرداخت یارانه به اندازه V تولید این محصول را مورد حمایت قرار دهد، آثار چنین سیاستی افزایش تولید داخلی از Q2 به Q1 خواهد بود. در این مقاله این میزان یارانه تولید به عنوان یارانه مطلوب تلقی می‌شود. در این سطح جدید عرضه، پنبه کاران در واقع قیمت P1 را دریافت می‌کنند و مصرف‌کنندگان (صنایع نساجی) کماکان قیمت P2 را می‌پردازند. مقدار کل یارانه پرداختی برابر با حاصل ضرب V در Q2 است. از آنجائیکه هزینه یارانه فراتر از منافع تولیدکنندگان (تغییر در مازاد تولیدکنندگان) است، اثرات رفاهی ملی خالص یارانه تولید منفی خواهد بود اگرچه بخشی از جامعه (تولیدکنندگان) نفع می‌برند. در این شرایط هزینه دولت با اعمال این سیاست معادل سطح ناحیه (صنایع نساجی) نیز بدون تغییر باقی می‌ماند. زیان مرده (هزینه اجتماعی) این سیاست معادل سطح ناحیه f + h + g می‌باشد که به اجتماع تحمیل می‌شود. چنانچه درآمدهای دولت از محل اخذ مالیات تامین گردد این هزینه را مالیات دهندگان متقبل خواهند شد. با توجه به اینکه در ایران درآمدهای دولت عمدتاً از محل صادرات نفت تامین می‌شود، این هزینه بر کلیت اجتماع تحمیل می‌شود. در جدول دو آثار رفاهی سیاست حمایتی یارانه تولید محصول نشان داده شده است.

#### جدول (1): آثار رفاهی سیاست یارانه تولید

0	تغییر مازاد مصرف‌کننده ( $\Delta CS$ )
$A + b + c + d + e$	تغییر مازاد تولیدکننده ( $\Delta PS$ )
$-(a + b + c + d + e + f + g + h)$	هزینه دولت یا تغییر مازاد مالیات دهندگان ( $\Delta TS$ )
$-(f + g + h)$	هزینه اجتماعی سیاست ( $DWL$ )

برای ارزیابی و تحلیل آثار سیاست‌های کشاورزی معمولاً از الگوی استاندارد عرضه و تقاضا، کشش‌ها، مولفه‌های بازار و مازادهای اقتصادی استفاده می‌شود. برای این منظور می‌بایست معادلات رفتاری عرضه و تقاضای محصول برآورد شود. چنانچه کشش‌های قیمتی عرضه و تقاضای محصول از سایر پژوهش‌ها و مقادیر عرضه و تقاضا (میانگین پنج سال گذشته) و قیمت سال جاری یا گذشته محصول در دسترس باشد، می‌توان توابع عرضه و تقاضای آن را برآورد نمود (حسینی، ۱۳۸۵). بررسی‌ها نشان می‌دهد تاکنون کمتر به تخمین توابع تقاضای پنبه ایران پرداخته شده است. زیرا تقاضای پنبه خام یک تقاضای مشتق شده از تقاضای پنبه محلول می‌باشد. لذا چون مقادیر کشش قیمتی تقاضای پنبه در دسترس نمی‌باشد تخمین تابع تقاضای آن به روش مذکور میسر نیست لذا بهره‌گیری از رهیافت مازاد اقتصادی نیز ممکن نمی‌باشد. اما تخمین تابع عرضه به تنهایی با رهیافت یاد شده اهداف تحقیق را محقق می‌سازد. لذا با توجه به مبانی نظری برای تخمین تابع عرضه پنبه خام ایران ابتدا رابطه نمائی به عنوان فرم تابعی مناسب به صورت زیر مدنظر قرار گرفت:

$$Q_s = aP^e \quad (1)$$

که در آن  $Q_5$  عرضه پنبه خام،  $p$  قیمت پنبه خام،  $\epsilon$  کشش قیمتی عرضه و  $\alpha$  جزء ثابت تابع می باشند. برای تخمین این تابع کافی است که جزء مجهول  $\alpha$  برآورد شود. لذا مقادیر معلوم قیمت سال جاری پنبه ( $p$ )، میانگین پنج سال گذشته عرضه داخلی پنبه خام ( $Q_5$ ) و کشش قیمتی عرضه در تابع جایگزین و با حل آن تخمینی از پارامتر مجهول  $\alpha$  بدست می آید. نظر به اینکه تاکنون چهار مقدار کشش عرضه پنبه خام ایران برآورد شده است، تابع عرضه پنبه تحت چهار گزینه کشش های عرضه برآورد می شود. مقادیر تخمینی کشش های عرضه پنبه خام ایران، میانگین عرضه داخلی پنبه خام در پنج سال زراعی گذشته و قیمت بازاری پنبه خام در سال زراعی ۸۸-۱۳۸۷ در جدول دو مندرج است.

### جدول (۲) - مقادیر کشش های قیمتی عرضه، قیمت بازاری و میانگین عرضه پنج سال گذشته پنبه خام

۳۰۱۸۷۷	میانگین عرضه داخلی پنبه خام در پنج سال زراعی گذشته (تن)		
۷۵۰۰	قیمت بازاری پنبه خام در سال زراعی ۸۸-۱۳۸۷ (ریال/کیلوگرم)		
۰/۵۲***	۰/۴***	۰/۳۱**	۰/۲۲*
	کشش های قیمتی عرضه پنبه خام		

\*- کشش ۰/۲۲ توسط حسینی پور و احمدیان در مقاله "بررسی اثرات رفاهی رشد سطح تکنولوژی تولید پنبه در ایران" برآورد شده است.

\*\* - کشش ۰/۳۱ توسط shefered در مقاله Estimating price elasticities of supply for cotton: a structural time-series approach برآورد شده است.

\*\*\* - کشش های ۰/۴۱ و ۰/۵۶ توسط الیاسی بختیاری در مقاله "عوامل موثر بر واکنش عرضه پنبه در ایران" برآورد گردیده اند.

پس از تخمین توابع عرضه مقادیر ممکن افزایش عرضه پنبه تحت چهار گزینه و تفاوت آن با نیاز صنایع نساجی کشور برآورد و محاسبه می شود. هرچه این تفاوت بیشتر باشد دال بر ناکارآمدی یارانه تولید پیشنهادی در افزایش تولید پنبه معادل نیاز صنایع نساجی خواهد بود. برای بررسی امکان پذیری سیاست پرداخت یارانه تولید پنبه مقدار عرضه داخلی پنبه معادل نیاز سالانه صنایع نساجی کشور در متغیر وابسته توابع چهارگانه جایگزین و قیمت متناظر آنها تعیین می شود. تفاضل این قیمت با قیمت بازاری پنبه در واقع میزان یارانه مطلوب تولید پنبه خواهد بود. با محاسبه کل یارانه مورد نیاز می توان نسبت به امکان پذیری اتخاذ این سیاست از سوی دولت قضاوت نمود. لازم به ذکر است که تحلیل های سیاستی مذکور مستلزم وجود فروض زیر می باشد:

- ۱- ایران در بازار جهانی پنبه کشور کوچک محسوب می شود.
- ۲- یارانه پیشنهادی به دولت ۱۵۰۰ ریال به ازاء هر کیلوگرم پنبه تولیدی می باشد
- ۳- با اعمال سیاست یارانه تولید قیمت مصرف کننده پنبه (قیمت پرداختی صنایع نساجی) ثابت باقی می ماند.
- ۴- با اعمال سیاست حمایت یارانه ای، تقاضای پنبه صنایع نساجی ثابت خواهد بود.
- ۵- در تخمین تابع عرضه پنبه سایر شرایط اعم از قیمت محصولات، فناوری تعداد تولیدکنندگان پنبه و ... می باشد.

### نتایج و بحث

در جدول سه مقادیر کشش های قیمتی چهارگانه، قیمت پنبه در سال زراعی ۸۸-۱۳۸۷ و میانگین عرضه داخلی پنبه خام در پنج سال گذشته و توابع تخمینی واکنش عرضه پنبه خام مندرج هستند

### جدول (۳) - توابع واکنش عرضه پنبه تحت چهار گزینه کشتش های مختلف عرضه پنبه

تابع واکنش عرضه پنبه با فرم نمائی	میانگین عرضه پنبه خام (P <sub>Q</sub> ) در پنج سال زراعی گذشته	قیمت پنبه (P <sub>F</sub> ) در سال زراعی ۱۳۸۹-۱۳۸۸	کشتش قیمتی عرضه پنبه (E)	گزینه
QS=42398P <sup>0.22</sup>	۳۰۱۸۷۷	۷۵۰۰	۰/۲۲	۱
QS=18986P <sup>0.31</sup>	۳۰۱۸۷۷	۷۵۰۰	۰/۳۱	۲
QS=8503P <sup>0.4</sup>	۳۰۱۸۷۷	۷۵۰۰	۰/۴	۳
QS=2917P <sup>0.52</sup>	۳۰۱۸۷۷	۷۵۰۰	۰/۵۲	۴

برای تعیین کارآمدی یارانه پیشنهادی ۱۵۰۰ ریالی در افزایش تولید و عرضه داخلی پنبه از توابع واکنش عرضه تخمینی استفاده گردید بدین ترتیب که با جایگزینی قیمت حمایتی ۹۰۰۰ ریال (مجموع قیمت بازاری و یارانه پیشنهادی) در متغیر وابسته توابع، عرضه متناظر آنها محاسبه شد که در جدول چهار آورده شده اند همانطور که ملاحظه می شود پرداخت یارانه ۱۵۰۰ ریال به پنبه کاران قادر به افزایش قابل توجه تولید و عرضه داخلی پنبه نخواهد بود و در بهترین حالت عرضه پنبه را تا سطح ۳۳۳۰۰۳ تن افزایش خواهد داد که فاصله قابل توجهی با نیاز صنایع نساجی کشور دارد و لذا این سیاست در صورت عملیاتی شدن توسط دولت فاقد کارآمدی قابل قبول خواهد بود و کماکان می بایست به مکانیسم واردات برای حذف شکاف عرضه داخلی و تقاضای صنایع نساجی متوسل شد. شرایط و واقعیات موجود نیز گواه بر صحت این نتایج می باشند زیرا بررسی ها نشان می دهد که دولت قیمت تضمینی پنبه را از ۵۴۰۰ ریال سال زراعی ۱۳۸۷-۱۳۸۶ به ۶۴۸۰ ریال در سال زراعی ۸۸-۱۳۸۷ افزایش داد که این راهکار موجبات افزایش تولید پنبه را در کشور فراهم نکرد. این یافته ها بیانگر آن است که پنبه کاران نسبت به حمایت های یارانه ای و قیمتی به سختی واکنش نشان می دهند و به نظر می رسد فقط یارانه تولید چشمگیر می تواند کشاورزان را نسبت به تولید و عرضه بیشتر پنبه راغب نماید.

### جدول (۴) - عرضه داخلی پنبه با یارانه ۱۵۰۰ ریال تحت گزینه های چهارگانه کشتش قیمتی عرضه

عرضه داخلی پنبه (تن)	قیمت حمایتی (ریال/کیلوگرم)	یارانه تولید (ریال/کیلوگرم)	کشتش قیمتی عرضه	گزینه
۳۱۴۲۵۲	۹۰۰۰	۱۵۰۰	۰/۲۲	۱
۳۱۹۳۳۶	۹۰۰۰	۱۵۰۰	۰/۳۱	۲
۳۲۴۵۴۱	۹۰۰۰	۱۵۰۰	۰/۴	۳
۳۳۳۰۰۳	۹۰۰۰	۱۵۰۰	۰/۵۲	۴

ماخذ: یافته های تحقیق

برای قضاوت در خصوص امکان پذیری سیاست یارانه تولید پنبه مقادیر مطلوب آن برآورد شدند که در جدول پنج مندرج می باشند. بر اساس داده های این جدول ملاحظه می شود که به موازات افزایش کشتش قیمتی عرضه پنبه از میزان یارانه مورد نیاز کاسته می شود. لذا بیشترین و کمترین یارانه مطلوب پنبه به ترتیب برابر ۲۵۷۷۹ و ۶۴۳۳ ریال به ازاء هر کیلوگرم پنبه خام تولیدی پنبه کاران خواهد بود که در شرایط کشتش های قیمتی عرضه معادل ۰/۲۲ و ۰/۵۲ می بایست پرداخت شوند تا عرضه داخلی پنبه نیاز صنایع نساجی کشور را تامین نماید. بر اساس این نتایج می توان استنباط نمود که چنانچه سیاست دولت تامین داخلی پنبه مورد نیاز صنایع

نساجی کشور باشد در بهترین و بدترین حالت می بایست به ترتیب ۶۴۳۳ و ۲۵۷۷۹ ریال یارانه به ازاء هر کیلوگرم پنبه تولیدی پرداخت نماید. با توجه به مقادیر مطلوب یارانه تولید پنبه ملاحظه می شود که کمترین آن تقریباً برابر قیمت بازاری پنبه در سال زراعی ۸۸-۱۳۸۷ می باشد. لذا چنانچه کشتش عرضه پنبه ۰/۵۲ باشد و پنبه کاران کشور در قبال تغییرات قیمت پنبه واکنش قابل توجهی را نشان دهند دولت باید معادل قیمت بازاری پنبه یارانه پرداخت نماید. چنانچه کشتش قیمتی عرضه کمتر از ۰/۵۲ باشد دولت می باست برای برانگیختن پنبه کاران برای افزایش عرضه پنبه معادل نیاز صنایع نساجی یارانه های به مراتب بیشتری پرداخت نماید. برای مثال چنانچه کشتش قیمتی عرضه به ترتیب برابر ۰/۴ و ۰/۳۱ باشد، یارانه مطلوب به ترتیب برابر ۹۶۵۲ و ۱۲۵۴۷ ریال در هر کیلوگرم پنبه خواهد بود که قابل توجه بوده و تفاوت چشمگیری با یارانه پیشنهادی متولیان پنبه کشور دارد.

#### جدول (۵) - یارانه مطلوب تولید پنبه در مقادیر کشتش قیمتی عرضه چهارگانه

گزینه	کشتش قیمتی عرضه پنبه	قیمت تامین کننده عرضه معادل تقاضای صنایع (ریال/کیلوگرم) (P2)	قیمت بازاری پنبه (ریال/کیلوگرم) (P1)	یارانه مطلوب تامین کننده تقاضای پنبه صنایع نساجی (ریال/کیلوگرم) (P2-P1)
۱	۰/۲۲	۳۳۲۷۹	۷۵۰۰	۲۵۷۷۹
۲	۰/۳۱	۲۰۰۴۷	۷۵۰۰	۱۲۵۴۷
۳	۰/۴	۱۷۱۵۲	۷۵۰۰	۹۶۵۲
۴	۰/۵۲	۱۳۹۳۳	۷۵۰۰	۶۴۳۳

ماخذ: یافته های تحقیق

در رابطه با امکان پذیری اتخاذ سیاست یارانه تولید پنبه می بایست یارانه های مطلوب و بار هزینه ای آنها محاسبه شوند. بر اساس داده های جدول پنج یارانه مطلوب در حالت خوش بینانه برابر ۶۴۳۳ ریال و عرضه متناظر آن ۴۲۰۰۰۰ تن میباشد لذا هزینه این سیاست حاصل ضرب دو رقم مذکور و برابر ۲۷۰۱۸۶۰۰۰۰ هزار ریال خواهد بود که هزینه بسیار گزافی می باشد. با توجه به اینکه سیاست های اقتصادی دولت در راستای حذف یارانه های مصرفی و تولیدی می باشد، بدیهی است که کمتر گرابشی را نسبت به اتخاذ چنین سیاستی خواهد داشت بعبارت دیگر که دولت نه تنها توانائی بلکه تمایل به پرداخت این میزان یارانه را نخواهد داشت. حال اگر میزان یارانه مطلوب تولید پنبه بر اساس گزینه های دیگر باشد بار هزینه ای سیاست بیشتر و امکان اجرائی شدن آن به مراتب کمتر خواهد بود.

#### نتیجه گیری و پیشنهادات

نتایج این مقاله نشان داد که یارانه پیشنهادی تولید پنبه برای برون رفت از وضعیت نامطلوب تولید و عرضه این محصول فاقد کارآمدی تعیین کننده می باشد و افزایش قابل توجهی در عرضه داخلی پنبه ایجاد نخواهد کرد. از سوی دیگر با توجه به هزینه هائی که یارانه های مطلوب بر بودجه عمومی کشور تحمیل می کنند و نیز بینش اقتصادی دولت، عملیاتی نمودن آن امکان پذیر نبوده و توانائی و تمایل دولت در اتخاذ این سیاست حمایتی جای تردید دارد. از سوی دیگر سیاست پرداخت یارانه موجب تحریف قیمت بازار



می‌شود و با تحمیل زیان مرده به اقتصاد ملی (هزینه اجتماعی) زمینه افزایش تولید داخلی را فراهم می‌کند. حال آنکه در یک فضای تجارت آزاد بین الملل می‌توان نیاز صنایع نساجی را با قیمت‌های کمتر از بازارهای جهانی تامین نمود. به هر حال انتخاب بین تولید با حمایت داخلی و هزینه اجتماعی و یا واردات با قیمت کمتر اما وابستگی بیشتر به بازارهای جهانی دشوار خواهد بود. لذا با توجه به اثربخشی ضعیف سیاست حمایت قیمتی پنبه در سال‌های اخیر و پیش‌بینی عدم کارآمدی شایسته سیاست یارانه تولید، برون‌رفت از وضعیت نسبتاً بحرانی تولید و عرضه این محصول مستلزم اتخاذ سیاست‌های تکمیلی دیگر از جمله تحقیقات، بازاریابی، بیمه، اعتبارات، واردات مدیریت شده و تثبیت درآمد می‌باشد. در این میان سیاست تحقیقات پنبه می‌تواند از جمله راهکارهای تعیین‌کننده باشد. بررسی داده‌های آماری میانگین تغییرات عملکرد پنبه آبی و دیم کشور طی ۲۵ سال اخیر نشان می‌دهد که سالیانه به ترتیب ۱/۳ و ۰/۹ درصد عملکرد آبی و دیم این محصول افزایش یافته است که مبین عدم تحول قابل توجه در فناوری تولید این محصول می‌باشد. لذا بازرنگری در سیاست تحقیقات پنبه کشور و ترسیم برنامه نوین تحقیقات این محصول می‌تواند از جمله راهکارهای تکمیلی سیاست‌های حمایت قیمتی و یارانه‌ای باشد که بدون زیان اجتماعی تحولی اساسی در فناوری تولید پنبه ایجاد خواهد کرد. با توجه به اینکه پنبه ماده خام اصلی صنایع نساجی، نخریسی و پوشاک می‌باشد، مشارکت آنها در تحقیقات و فناوری تولید پنبه می‌تواند حائز اهمیت و تعیین‌کننده باشد. بررسی تجربیات سیاست‌های حمایتی سایر کشورها در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که سهم حمایت‌های قیمتی مانند قیمت تضمینی به عنوان درصدی از دریافت‌های خالص بخش کشاورزی و سطح کلی حمایت کاهش یافته و درصد بیشتری از دریافت‌های کشاورزان از بازار به دست آمده است و نه از حمایت‌های دولتی. لذا در رابطه با محصول پنبه کشور چنین سیاست‌هایی به ویژه ساماندهی و نوسازی نظام بازاریابی پنبه می‌تواند مدنظر قرار گیرد.

## منابع

- الیاسی بختیاری. ط (۱۳۷۲) عوامل موثر بر واکنش عرضه پنبه ایران، مجموعه مقالات دومین سمپوزیوم سیاست کشاورزی ایران. دانشگاه شیراز، شیراز.
- حائری.ع (۱۳۸۹) پنبه ایران در آستانه نابودی کامل، گزارش تحلیلی صندوق پنبه ایران، تهران.
- حائری.ع و آسایش.آ (۱۳۸۸) بررسی وضعیت پنبه در ایران و جهان، دفتر مطالعات آماری و راهبردی صنعت نساجی، انجمن صنفی صنایع نساجی کشور، تهران.
- حسینی پور.م و احمدیان.م (۱۳۷۸) بررسی اثرات رفاهی رشد سطح تکنولوژی تولید پنبه در ایران، مجله ترویج و اقتصاد کشاورزی، سال اول، شماره ۴
- حسینی.ص (۱۳۸۵) الگوهای اقتصادی تحلیل قیمت و سیاست کشاورزی. انتشارات دانشگاه تهران. تهران.
- زارع.ا و چیذری.ا (۱۳۸۹) تحلیل سیاست قیمتگذاری در بازار پنبه ایران، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۶۹.
- Bosena D., Bekabil F., Berhanu G and H. Dirk (2001) Factors Affecting Cotton Supply at the Farm Level in Metema District of Ethiopia, *Journal of Agriculture, Biotechnology & Ecology*, 4(1): 41-51
- Darren H. and D. Ethridgeb (1999) Export Taxes and Sectoral Economic Growth: Evidence from Cotton and Yarn Markets in Pakistan, *Agricultural Economics* (20): 263-276.





- Kama B. and F.M. Epplin (1989) Evaluation of the Influence of Agricultural Price Policy on Cotton Production in Cote-d'Ivoire, *Agricultural Economics*, (3): 69-76
- Marshall A. and J. Havlicek (1977) Some Welfare Implications of the Adoption of Mechanical Cotton Harvesters in the United States, *American Journal of Agricultural Economics*, 59(4): 739-744
- Traoré F (2009) The impact of Developed Countries' Cotton Subsidies on the Malian Economy: a CGE Assessment
- Shepherd B (2006) Estimating Price Elasticity of Supply for Cotton: A Structural Time-series Approach, *FAO Commodity and Trade Policy Research Working Paper*, No. 21.
- Emvalomatis G., A. Lansink and S. Stefanou (2008) An Examination of the Relationship Between Subsidies on Production and Technical Efficiency in Agriculture: The Case of Cotton Producers in Greece, Paper prepared at the 107th EAAE Seminar, Sevilla, Spain.



## Efficiency and feasibility of cotton production subsidy policy in Iran

Noormohammad Abyar, S.Safdar Hossieni, Ali shahnavazi\*

### Abstract

In recent years, cotton production subsidies as a solution to increase supply of this product and textile industries has been proposed. In this paper, the amount of desirable subsidies needed to achieve the aim of providing an adequate cotton supply to textile industry under four scenarios (four price elasticity of supply) calculated and were compared with the proposed cotton subsidies (1500 rials per kg). Results showed that there are large differences between proposed cotton subsidy and desirable subsidies. So due to acute problems of cotton producing countries to support the subsidy in 1500 rials per kg cotton production subsidy to farmers would not be remedial and increase domestic supply of cotton. Therefore efficiency of proposed cotton subsidy is low. Results also showed that at least 6,433 rials per kg subsidy is required to increase domestic supply of cotton equal textile industries needs and in other hand applying desirable (optimal) subsidies is not possible because it is outside of government willingness and ability.

**JEL Classification :** E64, H71, Q18

**Keywords:** cotton, production subsidies, textile industry, Iran

---

\* PhD student of agricultural economics , professor of agricultural economics in Tehran university and agricultural economics researcher in East Azarbayjan Province Agricultural and Natural Resource Research Center  
Email: Abyar\_nm42@yahoo.com